

سال دوم

جلسه ۱۱۰

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۳ / ۳ / ۹۱ چهارشنبه

بحث سوم:



مبنای امام

همانند «الذی» و «التی» و ...

گروه
اول

متبادر از اینها = وضع شده اند برای اشاره + معنای مبهم

تفصیل
در

موصولات

همانند «من» و «ما» و ..

گروه
دوم

متبادر از اینها = وضع شده اند برای معنای مبهم (بدون اشاره)

۱

«مرفوعه زرارة» = یکی از ادله ای حجیت شهرت فتوایی

اشکال : «ما اشتهر بین اصحابک» درباره احادیث است

چراکه : صدور این روایت، سؤال از «احادیث متعارضه» است

۲

جواب :

اگر «الذی» به کار رفته بود = در آن اشاره به قبل بود و لذا فقط شامل روایات می

شد ولی «ما» به کار رفته = صرفاً «معنای مبهم نکره» است

۱

مراد شهید خمینی = «اشاره» در معنای «الذی» اشاره به امر معهود است.

با توجه به تفصیل بین معنای «ما و الذی» می توان همین برداشت را به امام نسبت داد

۲

لکن این حرف کامل نیست

چراکه «اشاره» مفروض در معنای «الذی» اشاره به معنای معهود نیست

بلکه اشاره به معنای مبهم است

۳

در مرفوعه زراره، معنا را نکره نمی گیریم:

به آن سبب نیست : که بین «ما» و «الذی» خلط شده است.

بلکه : متفاهم از این نوع سخن گفتن معنای «نکره من جمیع الجهات» نیست

بحث تکمیلی درباره حروف

۱ درباره کاف خطاب، آنچه به امام نسبت داده شده است، به نظر کامل نمی آید

۲ چراکه اگر پذیرفتیم که اینها «علامت» هستند،
در حقیقت پذیرفته ایم که اینها از معنایی حکایت می کنند

۳ به نظر می رسد که کاف خطاب هم ایجاد است و مخاطبه را ایجاد می کند

۴ این دسته از حروف ایجاد است و لذا وضع شده اند به عنوان «آلت ایجاد»
و به همین جهت دارای معنی نیستند

و در آنها تقسیم بندی «وضع عام / خاص ؛ موضوع له عام / خاص» نمی آید

۱

یک دسته از حروف = «حکایی» هستند مثل «من»
 یک دسته از حروف = «ایجاد» هستند مثل «واو قسم» و «یاء نداء»
 یک دسته از حروف = هم صرفاً «علامت» هستند

۲

روش تحقیق در بحث وضع، رجوع به «تبادر» است

۳

متبادر از «یاء» در «یا زید» = ایجاد نداء است.
 یعنی بدون استعمال «یا زید» اصلاً ندا و منادایی نیست تا این جمله بخواهد از آن حکایت کند.

۴

در کاف خطاب، متبادر آن است که اینها علامت است
 و صرفاً می گوید که مخاطب کیست؛ ولی از معنایی حکایت نمی کند.
 هیچ دلیلی نداریم که باید همه حروف به یکسان دارای وضع باشند